

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ مارچ ۲۰۲۰

بازی مستهجن امپریالیسم امریکا در افغانستان!!

دوشنبه- ۱۹ حوت ۱۳۹۸- کابل: همان طوری که شما هم در جریان هستید مهمترین خبر امروز در افغانستان و بی نظیر ترین خبر در سرتاسر جهان، اعلام دو رئیس جمهور در یک زمان و در یک مکان واحد در کشور ما افغانستان می باشد. این اعلام اگر از یک جانب "رشد گسترده!!" تولید سیاستمداران در افغانستان تحت اشغال را می رساند که در پرتو حاکمیت "دموکراسی مبتنی بر ب ۵۲" به وجود آمده، از جانب دیگر ادامه بازی تهوریست که از ۱۹ سال بدین سو از جانب اشغالگران در افغانستان آغاز یافته است. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین خواهیم داشت.

۱- این که سرانجام اشغالگران و نیروهای استعمارگر تصمیم نهائی شان را گرفتند و همان طوری که قبلاً نیز نگاشته بودم، جواسیس تکنوکرات را بر جنایتکاران اخوانی ترجیح دادند، باعث تعجب هیچ فردی از افراد افغانستان نگردید، زیرا این تصمیم به مانند روز روشن بود و همه کس می دانست که تمام دید و وادید ها بین مقامات امریکائی و ملل متحد با هر دو سر دعوا، تکمیل یک بازی مبتدل و یک نمایش مستهجنی بود که کارگردانان آن، یعنی مقامات امریکائی و به خصوص شخص "خلیلزاد" جهت بالا بردن مقام و منزلت خودشان نیز در مقامات تصمیم گیرنده کاخ سفید به راه انداخته بودند.

۲- از آن جائی که اعلام همزمان ریاست جمهوری از هر دو طرف در افغانستان، دال بر اراده طرفین بر تجزیه کشور و تقسیم آن به واحد های اداری جداگانه و تحت نفوذ خودشان می باشد، هر دو جانب با این عمل دست به خیانت ملی یازیده، حامیان شان چه بخواهند و چه هم نخواهند، در خیانت ملی با آنها سهیم می گردند.

۳- امیدی که جنایتکاران اخوانی به حرف ها و وعده های "خلیلزاد" بسته بودند، برخاسته از حرص مفرط و بلاهت فکری خودشان بود، ورنه می بایست این را می دانستند که مطابق به ضرب المثل "چاقو دسته اش را نمی برد"، "خلیلزاد" هیچ گاهی نخواست و نمی خواهد تا جواسیس تکنوکرات را در افغانستان بی اعتبار بسازد، زیرا صرف نظر از این که آنها چه کسانی اند، "کرزی" است و یا "غنی احمدزی"، آنها در کلیت شان از یک قشر معینی نمایندگی می نمایند که "خلیلزاد" خود فردی از افراد همان قشر می باشد. یعنی:

به گفته یکی از معلمان ما در دوره متوسطه "یاسین خان" - نمی دانم چرا همدوره هایش وی را "قرچ" می گفتند- که همیشه از ریفربهای مسابقات فوتبال شکایت داشت، رسم تقلب را در ریفری گری، "سردار آغا" در وطن ما گذاشته است. وی می گفت: "وقتی طرف مقابل تیم یک تیم لیسه حبیبیه می بود و "نادر" پسر "ظاهر شاه"، شب قبل از بازی به

"سردار آغا" راجع به نتیجه بازی هدایت می داد، تیم مقابل لیسۀ حبیبیه می بایست ۴ گل بیشتر می زد، تا "سردار آغا" آنها را مساوی اعلام بدارد.

با استفاده از مثال معلم صاحب "یاسین خان"، اینک "خلیلزاد" مکتب تقلب و فریبکاری "سردار آغا" را در امر سیاست آنقدر انکشاف داده، که با ۴ گل بیشتر نیز کسی را مساوی اعلام نمی دارند و به استناد اصلی که می باید بازی در نهایت یک برنده داشته باشد، چیزی که اصلاً مهم نیست تعداد گل- در اینجا میزان رأی- است. مهم آن است که امریکا "جواسیس تکنوکرات" را بر "جنایتکاران جهادی" مرجح می داند.

۴- خلاف طیف جواسیس تکنوکرات که می توانند همیشه بر "خلیلزاد" اعتماد داشته باشند و هیچ گاهی نسبت به علایق و تعهدات وی نسبت بدان قشر شگ ننمایند، طیف گسترده "جنایتکاران جهادی" با تمام خود فروش بودن شان می بایست سرانجام بدین نکته پی برده باشند، که "خلیلزاد" هیچ گاهی آنها را نسبت به "جواسیس تکنوکرات" مرجح نخواهد شمرد، لذا اگر می جنگند و یا صلح می کنند نباید بیش از این به حرف و گفته "خلیلزاد" اعتماد و اعتباری قایل شوند. تجربه ثابت نموده است که "خلیلزاد" به دفاع از قشری که خودش بدان تعلق دارد وفادار می باشد. یعنی "جواسیس تکنوکرات" تا زمانی از "جنایتکاران جهادی" حمایت می نمودند که طرف مقابلش، نوکران شوروی متوفا بود، از آن به بعد چه در افتضاح کنفرانس اول بن، چه در انتخابات ۲۰۰۹، چه در انتخابات ۲۰۱۴ و چه هم امروز، مواضع "خلیلزاد" کاملاً روشن بوده، "کفش کهنه جواسیس تکنوکرات" را بر "جنایتکاران جهادی" ترجیح داده و من بعد نیز ترجیح خواهد داد.

۵- شرکت بیش از ۳۰ نماینده و نهاد بین المللی در مراسم تحلیف "غنی احمدزی" و عدم حضور حتا یک نماینده خارجی در مراسم تحلیف "عبدالله عبدالله" خود بیانگر آن است که اشغالگران انتخاب شان را کرده و انتخابات از نظر آنها خاتمه یافته است. یعنی تمام نیروهای اشغالگر حتا مخالفان شخص "غنی احمدزی" مانند دولت پاکستان، "غنی احمدزی" را به مثابه رئیس جمور می شناسند. این شناسائی با در نظرداشت حاکمیت "غنی احمدزی" بر تمام ادارات دولتی، در واقع امکان تحرک و مانور "عبدالمود" را می تواند محدود ساخته حتا خودش را نیز به دیار نیستی بفرستد. در چنین شرایطی، "عبدالمود" و باندش به خصوص عناصر خیره سر آن چون "دوستم" و "محقق" چه خواهند کرد، مسأله ایست که در آینده روشن خواهد شد.

دیده شود چه می شود!